

اللَّهُمَّ يَا مَنْ بِرَحْمَتِهِ يَسْتَعِيثُ الْمُذْنِبُونَ، وَيَا مَنْ إِلَى ذِكْرِ إِحْسَانِهِ يَفْرَعُ الْمُضْطَرُّونَ، وَيَا مَنْ لِيَخْفِيَهُ يَنْتَجِبُ الْخَاطِئُونَ، يَا أَنْسَ كُلِّ مُسْتَوْحِشٍ غَرِيبٍ، وَيَا فَرَجَ كُلِّ مَكْرُوبٍ كَثِيبٍ، وَيَا عَوْتَ كُلِّ مَخْذُولٍ فَرِيدٍ، وَيَا عَضَدَ كُلِّ مُحْتَاجٍ طَرِيدٍ.

خداوندا ای آن که گنهکاران از رحمتش یاری می‌خواهند، و ای آن که بیچارگان به سوی یادآوری احسانش پناه می‌برند، و ای آن که خطاکاران از بیم عذابش به شدت گریه می‌کنند. ای آرامش هر ناآرام غریب، ای گشایش هر اندوهگین دل‌شکسته، ای یاری هر خوارشده تنها، و ای حمایت‌کننده هر نیازمند رانده‌شده.

أَنْتَ الَّذِي وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا، وَأَنْتَ الَّذِي جَعَلْتَ لِكُلِّ مَخْلُوقٍ فِي نِعْمِكَ سَهْمًا، وَأَنْتَ الَّذِي عَفُوهُ أَعْلَى مِنْ عِقَابِهِ، وَأَنْتَ الَّذِي تَسْعَى رَحْمَتُهُ أَمَامَ غَضَبِهِ، وَأَنْتَ الَّذِي عَطَاؤُهُ أَكْثَرُ مِنْ مَنَعِهِ، وَأَنْتَ الَّذِي اتَّسَعَ الْخَلْقُ كُلُّهُمْ فِي وَسْعِهِ، وَأَنْتَ الَّذِي لَا يُرْغَبُ فِي جَزَاءٍ مِنْ أَعْطَاهُ، وَأَنْتَ الَّذِي لَا يُفْرَطُ فِي عِقَابٍ مِنْ عَصَاهُ.

تویی آن که از جهت رحمت و دانش، همه چیز را فرا گرفته‌ای، و تویی آن که برای هر آفریده‌ای، سهم و نصیبی از نعمت‌هایت قرار داده‌ای، و تویی آن که عفو و بخشش از کيفرش برتر است، و تویی آن که رحمتش پیشاپیش خشمش حرکت می‌کند. و تویی آن که عطا و بخشش از دریغ کردنش بیشتر است، و تویی آن که همه آفریده‌ها را در گستره رحمتش فرا گرفته، و تویی آن که هرکسی را نعمت عطا کردی، از او انتظار پاداش نداری، و تویی آن که در کيفر کسی که از تو نافرمانی کرده، زیاده‌روی نمی‌کند.

وَأَنَا يَا إِلَهِي عَبْدُكَ الَّذِي أَمَرْتَهُ بِالذُّعَاءِ، فَقَالَ: لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ هَا أَنَا ذَا يَارَبِّ مَطْرُوحٍ بَيْنَ يَدَيْكَ، أَنَا الَّذِي أَوْقَرْتِ الْخَطَايَا ظَهْرَهُ، وَأَنَا الَّذِي أَفْنَتِ الذُّنُوبَ عُمْرَهُ، وَأَنَا الَّذِي بَجَهْلِهِ عَصَاكَ، وَلَمْ تَكُنْ أَهْلًا مِنْهُ لِذَلِكَ.

و من ای خدای من بنده توام که او را به دعا دستور دادی؛ و او گفت: گوش به فرمان و در خدمت توام؛ اینک منم ای پروردگارم! در پیشگاه تو افتاده‌ام، منم که خطاها پشتم را سنگین کرده؛ و منم که گناهان عمرم را نابود ساخته؛ و منم که به نادانی‌ام، تو را نافرمانی کردم؛ و تو شایسته این نبودی که من این‌گونه با تو معامله کنم.

هَلْ أَنْتَ يَا إِلَهِي رَاحِمٌ مَنْ دَعَاكَ فَأَبْلَغَ فِي الدُّعَاءِ، أَمْ أَنْتَ غَافِرٌ لِمَنْ بَكَكَ فَأَسْرَعَ فِي الْبُكَاءِ؟ أَمْ أَنْتَ مُتَجَاوِزٌ عَمَّنْ عَفَرَ لَكَ وَجْهَهُ تَذَلُّلاً، أَمْ أَنْتَ مُعْنٍ مَنْ شَكَأَ إِلَيْكَ فَفَرَّهُ تَوَكُّلاً.

ای خدای من آیا حضرتت به کسی که تو را بخواند، رحم می‌کند تا در خواندن تو اصرار ورزم، یا کسی که به درگاهت گریه و زاری کند، می‌آمیزی تا در گریه شتاب کنم، یا گذشت می‌کنی از کسی که از باب فروتنی، صورت به خاک درگاهت سایید؟ یا کسی که از باب توکل و اعتماد، از تهی‌دستی خودش به تو شکایت کند، بی‌نیاز می‌سازی؟

إِلَهِي لِاتُخَيِّبَ مَنْ لَا يَجِدُ مُعْطِيًا غَيْرَكَ، وَلَا تَخْذُلْ مَنْ لَا يَسْتَعِينِي عَنْكَ بِأَحَدٍ دُونَكَ، إِلَهِي فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تُعْرِضْ عَنِّي وَقَدْ أَقْبَلْتُ عَلَيْكَ، وَلَا تَحْرِمْنِي وَقَدْ رَغَبْتُ إِلَيْكَ، وَلَا تَجْبِهْنِي بِالرَّدِّ وَقَدْ انْتَصَبْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ، أَنْتَ الَّذِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِالرَّحْمَةِ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْحَمْنِي، وَأَنْتَ الَّذِي سَمَّيْتَ نَفْسَكَ بِالْعَفْوِ فَاعْفُ عَنِّي.

خدای من کسی را که جز تو عطاکننده‌ای نمی‌یابد، ناامید مکن، و کسی را که از تو به احدی غیر تو بی‌نیاز نمی‌شود، خوار و بی‌یار رها مکن. خدای من! پس بر محمد و آلش درود فرست و در حالی که به تو روی آورده‌ام، از من روی مگردان؛ و اکنون که به تو رغبت کرده‌ام، مرا از لطف و رحمت محروم مکن؛ و اینک که در برابر تو قرار گرفته‌ام، دست ردّ به سینه‌ام مزن و با من برخورد تلخ و بد نداشته باش. تویی آن‌که وجود مقدّست را به رحمت وصف کرده‌ای، بر محمد و آلش درود فرست و به من رحم کن و تویی آن‌که خود را خطابخش نامیده‌ای؛ بنابراین مرا ببخش.

قَدْ تَرَى يَا إِلَهِي فَيْضَ دَمْعِي مِنْ خَيْفَتِكَ، وَوَجِيبَ قَلْبِي مِنْ خَشْيَتِكَ، وَأَنْتِ فَاصَّ جَوَارِحِي مِنْ هَيْبَتِكَ، كُلُّ ذَلِكَ حَيَاءً مِنِّي بِسُوءِ عَمَلِي، وَلِذَاكَ خَمَدَ صَوْتِي عَنِ الْجَارِ إِلَيْكَ، وَكَلَّ لِسَانِي عَنْ مُنَاجَاتِكَ، يَا إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ، فَكَمْ مِنْ عَائِبَةٍ سَتَرْتَهَا عَلَيَّ فَلَمْ تَفْضَحْنِي، وَكَمْ مِنْ ذَنْبٍ عَطَيْتَهُ عَلَيَّ فَلَمْ تَشْهَرْنِي، وَكَمْ مِنْ شَائِبَةٍ أَلَمَّمْتُ بِهَا فَلَمْ تَهْتِكْ عَنِّي سِتْرَهَا، وَلَمْ تَقْلُدْنِي مَكْرُوهَ شَرَاهَا وَلَمْ تُبَدِّ سَوْءَاتِهَا لِمَنْ يَلْتَمِسُ مَعَايِي مِنْ جِيرَتِي وَحَسَدَةَ نِعْمَتِكَ عِنْدِي، ثُمَّ لَمْ يَنْهَنِي ذَلِكَ عَنْ أَنْ جَرَيْتُ إِلَى سُوءٍ مَا عَهَدْتَ مِنِّي.

ای خدای من جریان اشکم را به خاطر ترسی که از تو دارم و لرزیدن دلم را برای نگرانی و بیمی که در برابر بزرگداشت و احترامی که به تو دارم و حرکت و لرزش اعضایم را در برابر بیمی که از تو دارم، مشاهده می‌کنی. همه این‌ها محصول شرمساری من از حضرتت توست، آن‌هم به خاطر اعمال زشتی که از من سرزده؛ به همین سبب صدایم از این که به درگاهت به زاری بلند شود، خاموش شده؛ و زبانم از راز و نیاز با تو بازمانده. ای خدای من تو را سپاس، چه بسیار عیوبی که بر من پوشاندی و مرا رسوا نکردی و چه بسیار گناهی که پنهان داشتی و به آنم مشهور نساختی و چه بسیار خیانت و نیرنگ و امور هوسناکی که مرتکب شدم، ولی پرده آن‌ها را به

خاطر حفظ آبرویم ندریدی و حلقه عار و ننگ آن‌ها را به گردنم نیاویختی و زشتی‌هایم را نزد همسایگانی که به دنبال عیوب من هستند و حسودانی که نعمت‌هایت را نزد من می‌بینند، آشکار نکردی. سپس این همه الطاف و عنایات نسبت به من، مرا از گرایش به بدی‌هایی که از من سراغ داری باز نداشت.

فَمَنْ أَجْهَلُ مِنِّي يَا إِلَهِي بِرُشْدِهِ، وَمَنْ أَغْفَلُ مِنِّي عَنْ حَظِّهِ، وَمَنْ أَبْعَدُ مِنِّي مِنْ اسْتِصْلَاحِ نَفْسِهِ حِينَ أَنْفَقُ مَا أَجْرَيْتَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ فِيهَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِكَ، وَمَنْ أَبْعَدُ عَوْرًا فِي الْبَاطِلِ، وَأَشَدُّ إِقْدَامًا عَلَى السُّوءِ مِنِّي حِينَ أَقِفُ بَيْنَ دَعْوَتِكَ وَدَعْوَةِ الشَّيْطَانِ، فَاتَّبِعْ دَعْوَتَهُ عَلَى غَيْرِ عَمَى مِنِّي فِي مَعْرِفَةِ بِهِ وَلَا نِسْيَانٍ مِنْ حِفْظِي لَهُ؟!

ای خدای من نادان‌تر از من به صلاح کار خود کیست؟ و غافل‌تر از من به نصیب و بهره‌اش کدام انسان است؟ و چه کسی از اصلاح وجودش، دورافتاده‌تر از من است، آنگاه که تمام نعمت‌هایی که به من می‌دهی، در گناهانی که مرا از آن نهی فرمودی هزینه می‌کنم؟! و چه کسی بیش از من در غرقاب باطل فرو رفته؟ و سخت‌تر از من اقدام به زشتی کرده، زمانی که میان دعوت تو و دعوت شیطان می‌ایستم، ولی از دعوت او پیروی می‌کنم با این که او را به صورتی که باید می‌شناسم و نسبت به وضع او فراموشی ندارم.

وَأَنَا حِينَئِذٍ مُوقِنٌ بِأَنَّ مُنْتَهَى دَعْوَتِكَ إِلَى الْجَنَّةِ، وَمُنْتَهَى دَعْوَتِهِ إِلَى النَّارِ، سُبْحَانَكَ مَا أَعْجَبَ مَا أَشْهَدُ بِهِ عَلَيَّ نَفْسِي، وَأَعَدُّهُ مِنْ مَكْتُومِ أَمْرِي، وَأَعْجَبُ مِنْ ذَلِكَ أَنَا نَفْسِي، وَإِبْطَاؤُكَ عَنِّي، وَمُعَاجَلَتِي وَكَيْسَ ذَلِكَ مِنْ كَرَمِي عَلَيْكَ، بَلْ تَأْتِيَا مِنْكَ لِي، وَتَفْضُلًا مِنْكَ عَلَيَّ لِأَنَّ أَرْتَدِعَ عَن مَعْصِيَتِكَ الْمُسْخِطَةِ وَأَقْلِعَ عَن سَيِّئَاتِي الْمُخْلَقَةِ وَلِأَنَّ عَفْوَكَ عَنِّي أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ عَفْوَتِي.

و من در این موقعیت، یقین دارم که نهایت دعوت تو به سوی بهشت و پایان دعوت او به طرف دوزخ است. پاک و منزهی تو؛ چه شگفت است که به زیان خود شهادت می‌دهم و امور پنهان خود را شماره می‌کنم. و شگفت‌تر از آن بردباری‌ات نسبت به من و درنگت از مؤاخذه سریع این بنده گناه‌کار است؛ سبب این نیست که من در آستان حضرتت انسانی گران‌قدم؛ بلکه علتش، مدارایت با من و لطف کردن وجود مقدست بر من است، برای این‌که از نافرمانی‌ات که سبب خشم توست باز ایستم و وجودم را از عرصه گناهانی که فرسوده‌کننده هویت و شخصیت من است درآورم؛ به خاطر این که گذشتت نسبت به من نزد تو، از مجازات کردن من محبوب‌تر است.

بَلْ أَنَا يَا إِلَهِي أَكْثَرُ ذُنُوبًا، وَأَفْبَحُ آثَارًا، وَأَشْنَعُ أَعْمَالًا، وَأَشُدُّ فِي الْبَاطِلِ تَهَوُّرًا، وَأَضْعَفُ عِنْدَ طَاعَتِكَ تَيَقُّظًا، وَأَقْلُ لَوْعِيدِكَ انْتِبَاهًا وَارْتِقَابًا، مِنْ أَنْ أُحْصِيَ لَكَ عُيُوبِي، أَوْ أَقْدِرَ عَلَى ذِكْرِ ذُنُوبِي، وَإِنَّمَا أُوبِخُ بِهَذَا نَفْسِي طَمَعًا فِي رَأْفَتِكَ الَّتِي بِهَا صَلَاحُ أَمْرِ الْمُذْنِبِينَ وَرَجَاءُ لِرَحْمَتِكَ الَّتِي بِهَا فَكَأُكَ رِقَابِ الْخَاطِئِينَ. اللَّهُمَّ وَهَذِهِ رَقَبَتِي قَدْ أَرَقَّتْهَا الذُّنُوبُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعْتِفْهَا بِعَفْوِكَ، وَهَذَا ظَهْرِي قَدْ أَثْقَلْتَهُ الْخَطَايَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخَفِّفْ عَنْهُ بِمَنِّكَ.

وگرنه ای خدای من! گناهانم فراوان تر و آثارم زشت تر و کردام ناپسندتر و گستاخی‌ام در باطل شدیدتر و بیداری‌ام نزد فرمانبرداری‌ات سست تر و هشیاری و مراقبتم در برابر تهدیدت، ناچیزتر از آن است که بتوانم عیوبم را برایت شماره کنم، یا توان ذکر کردن گناهانم را داشته باشم. جز این است که خود را به این صورت نکوهش می‌کنم، در حالی که به مهربانی بیش از اندازه‌ات که صلاح کار گنهکاران به آن است، چشم طمع دارم؛ و به رحمتت که آزادی خطاکاران در گروی آن است، امیدوارم. خداوندا این گردن من است که گناهان او را به بند بردگی کشیده؛ پس بر محمد و آلش درود فرست و وجودم را به سبب گذشت و بخششت از بند بردگی گناهان آزاد کن و این پشت من است که خطاها آن را گران و سنگین کرده؛ پس بر محمد و آلش درود فرست و به احسانت آن را سبک کن.

يَا إِلَهِي لَوْ بَكَيْتُ إِلَيْكَ حَتَّى تَسْقُطَ أَشْفَارُ عَيْنَيْ، وَأَنْتَحَبْتُ حَتَّى يَنْقَطِعَ صَوْتِي، وَقُمْتُ لَكَ حَتَّى تَتَنَشَّرَ قَدَمَايَ، وَرَكَعْتُ لَكَ حَتَّى يَنْخَلِعَ صُلْبِي، وَسَجَدْتُ لَكَ حَتَّى تَتَفَقَّأَ حَدَقَتَايَ، وَأَكَلْتُ تُرَابَ الْأَرْضِ طُولَ عُمْرِي، وَشَرِبْتُ مَاءَ الرَّمَادِ آخِرَ دَهْرِي، وَذَكَرْتُكَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ حَتَّى يَكَلَّ لِسَانِي، ثُمَّ لَمْ أَرْفَعْ طَرْفِي إِلَى آفَاقِ السَّمَاءِ اسْتِحْيَاءً مِنْكَ، مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي.

ای خدای من! اگر به درگاهت گریه کنم تا جایی که پلک‌های دو چشمم فرو افتند و چنان به شدت ناله زنم تا صدایم قطع شود و چندان به پیشگاهت بایستم که پایم ورم کند و آن مقدار برایت رکوع کنم که استخوان‌های پشتم از جا کنده شده و زدوده گردد و به اندازه‌ای سجده کنم که چشم‌هایم از کاسه درآید و در طول عمرم خاک زمین را بخورم و تا پایان حیاتم آب آلوده به خاکستر بنوشم و در اثنای این اوضاع و احوال، چندان ذکر تو گویم که زبانی از کار بماند، آنگاه از روی شرمساری از تو، چشم به آفاق آسمان باز نکنم، با این همه سزاوار محو یک گناه از تمام گناهانم نیستم.

وَإِنْ كُنْتَ تَعْفِرُ لِي حِينَ أَسْتَوْجِبُ مَغْفِرَتَكَ، وَتَعْفُو عَنِّي حِينَ أَسْتَحِقُّ عَفْوَكَ فَإِنَّ ذَلِكَ غَيْرُ وَاجِبٍ لِي بِاسْتِحْقَاقِي، وَلَا أَنَا أَهْلٌ لَهُ بِاسْتِيْجَابٍ، إِذْ كَانَ جَزَائِي مِنْكَ فِي أَوَّلِ مَا عَصَيْتَكَ النَّارَ، فَإِنْ تُعَذِّبُنِي فَأَنْتَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِي. إِلَهِي فَاذْ قَدْ تَعَمَّدْتَنِي بِسِتْرِكَ فَلَمْ تَفْضَحْنِي، وَتَأْتَيْتَنِي بِكَرَمِكَ فَلَمْ تُعَاجِلْنِي، وَحَلُمْتَ عَنِّي بِتَفْضُلِكَ فَلَمْ تُغَيِّرْ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ، وَلَمْ تُكَدِّرْ مَعْرُوفَكَ عِنْدِي، فَارْحَمْ طَوْلَ تَصْرُعِي، وَشِدَّةَ مَسْكِنَتِي، وَسُوءَ مَوْقِفِي.

و اگر زمانی که سزاوار گذشت و بخششت کردم، مرا ببخشی؛ و هنگامی که مستحق آمرزش و بخششت کردم، مرا عفو کنی؛ همانا این آمرزش و عفو، به خاطر استحقاق من نسبت به من واجب نیست و من مستحق وجوب آمرزش و عفو نیستم؛ زیرا پاداش من از سوی تو، در اولین باری که مرتکب معصیت شدم آتش بود؛ بنابراین اگر مرا عذاب کنی، ستمکار بر من نیستی. خدای من! اکنون که مرا به پرده پوشی‌ات در پوشیده‌ای و رسوایم نکردی و به کرمت با من مدارا کرده و به کیفرم شتاب نورییدی و به احسانت از من گذشتی و نعمت را نسبت به من تغییر ندادی و نزد من نیکی و خوبی‌ات را تیره و تار نکردی، پس بر طول زاری‌ام و سختی بیچارگی‌ام و بدی جایگاهم رحمت آر.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَفِي مَنِّ الْمَعَاصِي، وَاسْتَعْمِلْنِي بِالطَّاعَةِ، وَارْزُقْنِي حُسْنَ الْإِنَابَةِ، وَطَهِّرْنِي بِالتَّوْبَةِ، وَأَيِّدْنِي بِالْعِصْمَةِ، وَاسْتَصْلِحْنِي بِالْعَافِيَةِ، وَأَذِقْنِي حَلَاوَةَ الْمَغْفِرَةِ، وَاجْعَلْنِي طَلِيقَ عَفْوِكَ وَعَتِيقَ رَحْمَتِكَ، وَكُتُبْ لِي أَمَانًا مِنْ سَخَطِكَ، وَبَشِّرْنِي بِذَلِكَ فِي الْعَاجِلِ دُونَ الْأَجْلِ بُشْرَى أَعْرِفُهَا، وَعَرِّفْنِي فِيهِ عَلَامَةً أَتَّبِيهَا،

خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و مرا از گناهان حفظ کن و به طاعت و فرمان برداری از خود به کار گیر و نیکو بازگشت را روزی‌ام ساز و به توبه پاکم کن و به دوری از گناه یاری‌ام ده و به سلامت همه جانبه، زندگی‌ام را اصلاح کن و شیرینی آمرزش را به من بچشان و مرا رهاشده بخششت و آزادشده رحمت قرار ده و از خشم خود سند امانم بده و هم‌اکنون نه در آینده، به مزده آن خوشحالم کن، مزده‌ای که آن را بشناسم و به نشانه‌ای که آن را آشکارا بینم،

إِنَّ ذَلِكَ لِأَيُّقٍ عَلَيْكَ فِي وَسْعِكَ، وَلَا يَتَكَادَكَ فِي قُدْرَتِكَ، وَلَا يَتَّصَعِدُكَ فِي أَنْاتِكَ، وَلَا يُوُودُكَ فِي جَزِيلِ هِبَاتِكَ الَّتِي دَلَّتْ عَلَيْهَا آيَاتُكَ. إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ، وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

آگاهم کن که این کار در گستره سعه رحمتت، بر تو دشوار نیست و تو را در میدان قدرتت به مشقت نمی‌اندازد و در حوزه بردباری‌ات، تو را دچار سختی نمی‌کند و در فضای بخشش‌های فراوانت که آیاتت بر آن‌ها گواه

است، تو را در فشار و تنگنا قرار نمی‌دهد؛ همانا هر چه بخواهی انجام می‌دهی و هر چه را اراده فرمایی حکم می‌کنی، مسلماً بر هر کاری توانایی.

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer